

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه

بررسی و تحلیل
حسن وقیح عقلی از دیدگاه فخر رازی و خواجه طوسی
ناظر به کتاب تلخیص المحصل

سارا راستی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر ذکیانی

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر اکبر زاده

تابستان ۱۳۹۱

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها
کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی و تحلیل حسن و قبح عقلی از دیدگاه فخر رازی و خواجه طوسی ناظر به کتاب تلخیص المحصل	
نویسنده / محقق: سارا راستی	
مترجم: -	
استاد راهنما: دکتر ذکیانی	استاد مشاور / استاد داور: دکتر اکبرزاده / دکتر نصری
کتابنامه: فهرست مطالب	واژه‌نامه: کلید واژه
نوع پایان‌نامه: بنیادی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۹۰-۹۱
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
تعداد صفحات: ۱۴۱	دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی
گروه آموزشی: فلسفه	
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: فخر رازی، خواجه طوسی، حسن و قبح عقلی	
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی:	
Fakhr al-Din al-Razi, Nasir al-Din al-Tusi, Rationality of Goods and Evils	

چکیده

الف: موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

در مواجهه با کتب فخر الدین رازی و خواجه طوسی با نکته‌ی عجیبی برخورد کردیم و آن این که فخر رازی در استفاده‌ی از عقل از خواجه طوسی پیشی می‌گیرد و حال آن‌که او معتقد به حسن و قبح شرعی است و در مرام او این میزان عقل تعریف نشده است. در مقابل خواجه با اعتقادی که مدافع عقل بوده سخن از نقل می‌گوید و گاه سر تسلیم در برابر آن فرود می‌آورد. آیا آن‌ها دچار تناقضی در گفتار و عمل خویش شده‌اند یا می‌توان توجیهی برای این روند متضاد گونه‌ی ارائه کرد؟

ب: مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع چهارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:

پرسش پایان‌نامه: آیا فخر الدین رازی و خواجه نصیر طوسی در عمل پایبند به عقیده خود در مورد «حسن و قبح عقلی یا شرعی» بوده‌اند؟ تضاد ظاهری گفته‌هایشان را چگونه باید توجیه کرد؟
فرضیه پایان‌نامه: فخر رازی و خواجه طوسی پایبند به عقیده خود بوده‌اند، و تضاد ظاهری ناشی از سوء فهم مفهوم حسن و قبح است، و نیز باید هدف استدلال‌های عقلی فخر را در اثبات ناکارایی عقل جستجو کرد.
در این پایان‌نامه از روش کتابخانه‌ای استفاده شد، و کتب فخر و خواجه و کتبی در مورد افکار آنها مورد مطالعه قرار گرفت.

پ: روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه‌ی مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه‌ی اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

روش کار این پایان‌نامه پیدا کردن اختلاف مبانی و روش‌های فخر و خواجه در بحث اساسی عقل و خصوصاً در حسن و قبح عقلی است. آیا عقل‌گرایی فخرالدین رازی، به این معناست که او نیز مانند خواجه طوسی به حسن و قبح عقلی معتقد است؟ و یا اگر به زبان حسن و قبح شرعی را تایید می‌کند، در عمل نیز ملتزم به آن است؟ برای این مهم می‌شد استدلال‌های کل کتاب تلخیص را استخراج کرد تا به کمک استدلال‌ها، مبانی آن‌ها عیان گردد و یا حتی به سایر کتب فخر و خواجه نیز مراجعه نمود. اما نگارنده، پس از مرور چندین باره‌ی کتاب تلخیص، و تورق اجمالی سایر کتب آن‌ها، به این نتیجه رسید که آنچه تکلیف ما را پیرامون عقل، مستقلات عقلیه، روش‌های عقلی و حسن و قبح عقلی نزد خواجه طوسی و خصوصاً فخر رازی روشن می‌کند،

فصل اول کتاب تلخیص المحصل است. جایی که فخر رازی به شکلی متمرکز بر اصول عقلی و ام‌البدیهیات یعنی اصل تناقض می‌تازد و در آن به صراحت و آشکارا نظر خود را پیرامون عقل و مستقلات عقلیه بیان می‌کند. از این رو لازم می‌نمود یک فصل از پایان‌نامه به صورت مستقل به بخش اول و استخراج استدلال‌های آن اختصاص یابد.

ت: یافته‌های تحقیق:

دو متفکر به اعتقاد خود مبنی بر حسن و قبح عقلی یا شرعی کاملاً پایبند بوده و دچار تضاد در گفتار و عمل نشده‌اند.

ث: نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

آن‌چه پس از تحقیقات مفصل و مراجعه به آثار آن‌ها به دست آمده، نشان می‌دهد هر دو متفکر به اعتقاد خود مبنی بر حسن و قبح عقلی یا شرعی کاملاً پایبند بوده‌اند. به عبارتی این ایراد به خواجه وارد نیست زیرا حسن و قبح عقلی هرگز نافی نقل نبوده و نیست پس استفاده‌ی از هر دو برای خواجه، تضادی در پی ندارد. اما فخر معتقد به حسن و قبح شرعی، از عقل بر علیه عقل، و به عنوان ابزاری برای محدود کردن آن بهره می‌گیرد تا به این وسیله، غیر جازم بودن آن را ثابت کرده و نیاز به نقل، در سطح وسیع را نشان دهد.

رساله‌ی ناقابل خود را به محضر امام عصر (عج) تقدیم می‌کنم. امید است با پذیرش آن بارقه‌ی امیدی از به ثمر رسیدن تلاش‌هایم در دل روشن گردد.

در ابتدا از همسر که خالصانه و مشفقانه با حمایت‌های بی‌دریغ خویش مرا یاری کرد بسیار تشکر می‌کنم. سپس لازم می‌دانم مراتب تشکر خود را از پدر و مادرم اعلام دارم که هر چه بودم و آنچه هستم و چیزی که خواهم بود، مرهون زحمات بی‌دریغ و شبانه‌روزی آن‌ها بوده و هست. از جناب آقای دکتر ذکیانی نهایت تشکر را دارم؛ نه فقط به خاطر آن که پدرانه در پیش‌برد رساله‌ی حاضر، بی‌دریغ کمک و راهنمایی کردند؛ نه فقط به خاطر هم‌فکری‌هایی که راه‌های تاریک پایان‌نامه را روشن می‌کرد و نه حتی به خاطر کتب و مجلات متعددی که در کمبود منابع در اختیار شاگرد کوچک خود قرار می‌دادند، بلکه به خاطر تشویق و راهنمایی ایشان، که عامل اصلی تغییر رشته‌ی من از زیست‌شناسی به فلسفه و کلام اسلامی بود.

از سرکار خانم دکتر اکبرزاده بابت راهنمایی‌های سازنده‌یشان سپاسگزارم. از جناب آقای دکتر نصری بابت پذیرش داوری رساله‌ام تشکر می‌کنم. انشاءالله حقیر بتوانم از نظرات ایشان در بهبود رساله، نهایت استفاده را بکنم. در انتها مراتب سپاس خود را به تمامی اساتید خود که دانش امروز من مدیون آن‌هاست، تقدیم کرده و از خدای منان برایشان جزای خیر مسئلت دارم، چرا که دست توانای قادر متعال در جبران این مهم کجا و دست ناتوان بنده‌ی کوچکش کجا.

پیشگفتار

موضوع رساله، پس از مطالعات بسیار و انتخاب موضوعات متعدد به پیشنهاد جناب آقای دکتر ذکیانی طرح و حمایت شد. از مشکلات اصلی تحقیق، کمبود شدید وقت و منابع بود که با کمک‌های دکتر ذکیانی، این مسئله مرتفع گردید. در این راه سی‌دی‌های موسسه‌ی نور که بسیاری از کتب دسته اول را داراست، نیز موثر بوده لذا لازم می‌دانم از دست‌اندرکاران این موسسه نهایت تشکر را داشته باشم.

چکیده

«بررسی و تحلیل حسن و قبح عقلی از دیدگاه فخر رازی و خواجه طوسی ناظر به کتاب تلخیص المحصل» عنوان پایان‌نامه‌ای است که پیرامون حسن و قبح، از آن حیث که ملاک حسن یا قبیح بودن فعل، از نظرگاه دو متفکر اسلامی چیست، به بحث نشست است. این امر از این جهت مورد بحث واقع شد که در مواجهه با کتب فخر الدین رازی و خواجه طوسی با نکته‌ی عجیبی برخورد کردیم و آن این که فخر رازی در استفاده‌ی از عقل از خواجه طوسی پیشی می‌گیرد و حال آن‌که او معتقد به حسن و قبح شرعی است و در مرام او این میزان عقل تعریف نشده است. در مقابل خواجه با اعتقادی که مدافع عقل بوده سخن از نقل می‌گوید و گاه سر تسلیم در برابر آن فرود می‌آورد. آیا آن‌ها دچار تناقضی در گفتار و عمل خویش شده‌اند یا می‌توان توجیهی برای این روند متضاد گونه ارائه کرد؟

آن‌چه پس از تحقیقات مفصل و مراجعه به آثار آن‌ها به دست آمده، نشان می‌دهد هر دو متفکر به اعتقاد خود مبنی بر حسن و قبح عقلی یا شرعی کاملاً پایبند بوده‌اند. به عبارتی این ایراد به خواجه وارد نیست زیرا حسن و قبح عقلی هرگز نافی نقل نبوده و نیست پس استفاده‌ی از هر دو برای خواجه، تضادی در پی ندارد. اما فخر معتقد به حسن و قبح شرعی، از عقل بر علیه عقل، و به عنوان ابزاری برای محدود کردن آن بهره می‌گیرد تا به این وسیله، غیر جازم بودن آن را ثابت کرده و نیاز به نقل، در سطح وسیع را نشان دهد.

کلمات کلیدی: فخر رازی، خواجه طوسی، حسن و قبح عقلی.

فهرست

پیشگفتار.....	۸
چکیده.....	۹
فهرست.....	۱۰
مقدمه (کلیات).....	۱۳
فصل اول: آشنایی اجمالی با دو اندیشمند.....	۱۸
دوران زندگی.....	۱۸
فخر رازی.....	۱۸
خواجه نصیر طوسی.....	۲۳
فصل دوم: حسن و قبح عقلی.....	۲۷
تاریخچه.....	۲۷
بیان چند نکته.....	۲۸
مقدمه‌ی اول: عقل.....	۲۹
مقدمه دوم: مواد حکمت عملی و حکمت نظری.....	۳۰
مقدمه سوم: حجیت ادراک عقل در حکمت نظری و حکمت عملی.....	۳۰
مقدمه چهارم: رسالت عقل عملی و عقل نظری.....	۳۰
حسن و قبح.....	۳۲
مراد از ذاتی در حسن و قبح ذاتی.....	۳۶

۳۶	دلایل مخالفین در رد حسن و قبح عقلی
۳۹	دلایل طرفداران حسن و قبح عقلی
۴۳	فصل سوم: نگرش فخر رازی و خواجه‌ی طوسی در مباحث کلامی و اصول اعتقادی
۴۳	بخش اول
۴۶	بخش دوم
۶۱	فصل چهارم: نگرش فخر رازی و خواجه‌ی طوسی در بیان مباحث عقلی
۶۱	مقدمه اول
۶۱	تصورات
۶۷	تصدیقات
۱۰۰	مقدمه دوم
۱۰۰	مساله ۱: نظر و فکر
۱۰۲	مساله ۲: فکر مفید برای علم موجود است
۱۰۶	مساله ۳: شناخت خداوند تعالی محتاج معلم (نبی و امام) نیست
۱۰۸	مساله ۴: واجب است که ناظر عالم به مطلوب نباشد
۱۰۹	مساله ۵: وجوب نظر
۱۱۶	مساله ۶: وجوب نظر سمعی است
۱۱۷	مساله ۷: نخستین واجب: معرفت یا نظر یا قصد
۱۱۸	مساله ۸: حصول علم با عادت است یا با تولد؟
۱۲۱	مساله ۹: آیا نظر فاسد تولید جهل نمی‌کند و مستلزم جهل نیست یا مستلزم آن است؟
۱۲۱	مساله ۱۰: فکر صحیح و فکر فاسد

- مساله ۱۱: حصول دو مقدمه برای حصول نتیجه کفایت می کند..... ۱۲۲
- مساله ۱۲: آیا علم به نحوه‌ی دلالت دلیل عین علم به مدلول است یا نه؟..... ۱۲۳
- مقدمه سوم: دلیل و اقسام دلیل..... ۱۲۵
- مساله ۱: دلیل و امارت، عقلی اند یا سمعی اند یا مرکب؟..... ۱۲۵
- مساله ۲: دلیل لفظی افاده‌ی یقین نمی کند مگر به وسیله‌ی ده امر..... ۱۲۶
- مساله ۳: نقلیات، همگی مستند به صدق رسول (علیه السلام) است..... ۱۲۷
- مساله ۴: استدلال، یا قیاس است، یا استقراء است، یا تمثیل است..... ۱۲۸
- نتیجه گیری..... ۱۳۲
- منابع..... ۱۳۸

مقدمه (کلیات)

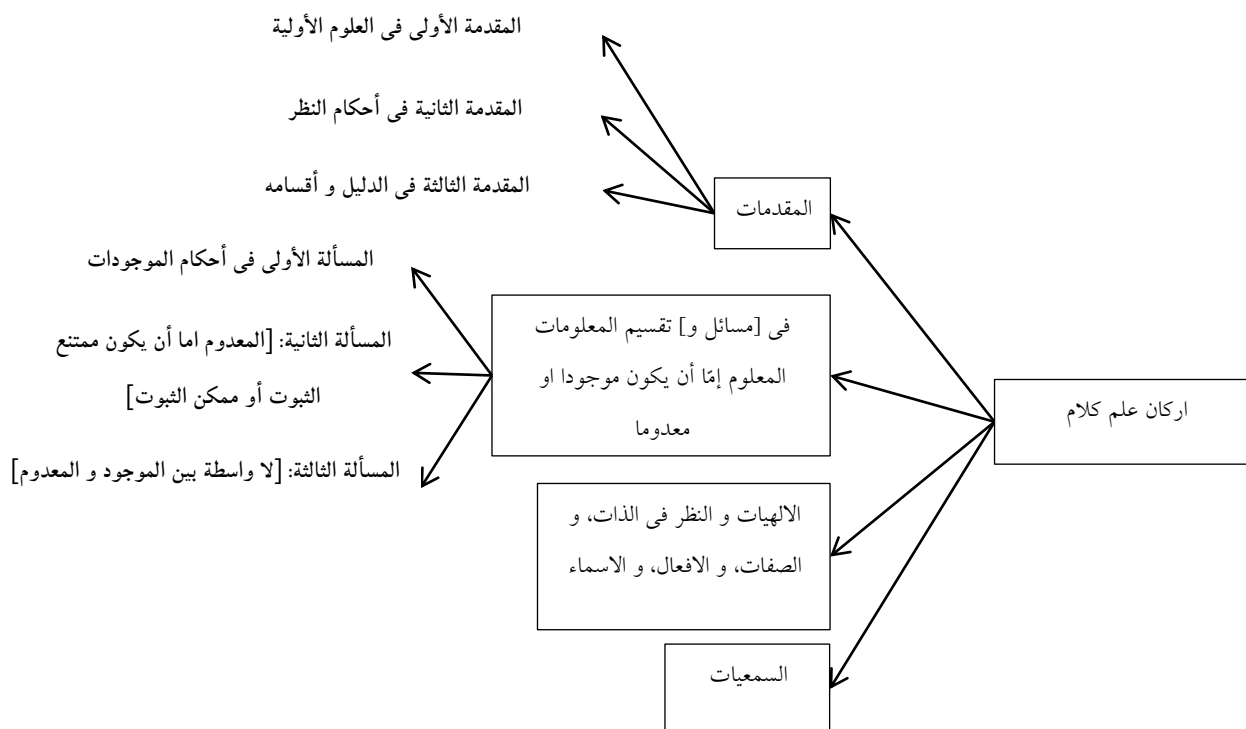
کتاب تلخیص المحصل، مواجهه‌ی مناظره‌ی گونه‌ی خواجه طوسی با فخر رازی است. هر چند این مواجهه، سی سال پیش از نگارش تلخیص المحصل در کتاب شرحی بر اشارات بوعلی نیز اتفاق افتاده بود.

مواجهه‌ی دوم که در سال ۶۶۹ قمری رخ داد، در مقام تلخیص و تحلیل انتقادی «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحكماء و المتکلمین» بود. خواجه نصیر در مقدمه‌ی کتابش می‌نویسد: «اساس علوم دینی، علم اصول دین است که مسائل آن باید یقینی باشد ... در این زمانه همت‌ها از تحصیل حق بازگشته است ... و رغبتی به علوم نیست و سرشت‌ها بر جهل و دون‌مایگی سرشته شده است ... در کتاب‌های متداول و عیان و خبری و از تمهید پایه‌های حقیقت عین و اثری نیست به جز کتاب محصل که اسم آن سازگار با معنایش نیست و بیانش به آنچه ادعای آن را دارد نمی‌رساند؛ و اینان پندارند، در این علم، این کتاب بسنده است و از مرض و جهل و تقلید رهاننده. حق آن است که در آن تنک مایه و پر مایه بسیار است و متکی به آن به یقین نمی‌رسد، بلکه جویای حق را چونان تشنه‌ای به سراب می‌برد و سرگردان در راه‌های گوناگون را ناامید از رسیدن به درستی می‌کند. بر آن شدم که از روی آن پرده برگیرم و ناراستی را در شبهات پنهان آن بنمایم ... گرچه برخی دانشیان در روشن کردن و شرح آن و برخی دیگر در نقض و جرح آن کوشیده‌اند و بیشتر ایشان منصف نبوده‌اند و کتابم را «تلخیص المحصل» نامیدم.» (علی‌رضا فاضلی، ۱۳۹۰، ص ۴۹)

«این کتاب به دلیل رهیافت انتقادی به «محصل» در آثار متأخران خواجه غالباً به نقد المحصل شهرت دارد. استاد شیخ عبدالله نورانی این کتاب را به همراه سی رساله‌ی دیگر از خواجه نصیر، به سال ۱۳۵۹ شمسی تصحیح کرد و در تهران به چاپ رساند که بعدها در بیروت تجدید چاپ شد.» (علی‌رضا فاضلی، ۱۳۹۰، ص ۴۹)

ابن خلدون محصل فخر را به نام «لباب المحصل» خلاصه کرد. در این کتاب از کلام خواجه که او را امام کبیر می‌خواند بهره می‌برد. حاجی خلیفه از دو شرح بر این تلخیص از ابو حامد احمد بن علی ابن الشبلی و عصام الدین ابراهیم بن عربشاه الاسفرائینی در گذشته‌ی ۹۴۵ ق خبر می‌دهد. میرداماد نیز به این کتاب علاقه دارد و از آن فراوان نقل می‌کند. صدرالمتهین هم چند بار سخن خواجه را از این کتاب نقل کرده است.

کتاب تلخیص المحصل، همچون المحصل فخر رازی در ۴ رکن (فصل) نگارش شده و به صورت زیر بیان گردیده است:



این رساله به شکل مبسوط به رکن اول (المقدمات) پرداخته است. زیرا در همین فصل، فخر رازی به جنگ با بدیهیات رفته و اساس عقل که بر بدیهیات استوار است، زیر سوال می‌برد. این در حالی است که او همواره روش عقلی در پیش می‌گیرد. و این امر، تناقضی آشکار در عمل و گفتار اوست.

در فصل اول، به شکل خلاصه زندگی‌نامه‌ی دو متفکر بیان شده است. ارتباط این فصل به موضوع رساله، بیان اتفاقات محیطی دو متفکر است. زیرا محیط تاثیر انکار ناپذیری بر افراد دارد، از طرفی خواننده متوجه می‌شود که افکار هر کدام در چه شرایطی شکل گرفته است. نیز آشکار می‌شود که هر یک برای عقاید خود چه هزینه‌هایی پرداخت کرده‌اند. عنوان مثال، اتفاقی که بین فخر و کرامیه رخ داد و سبب شد تا به خاطر استفاده از عقل، او را متهم به پیروی از کفریات فلاسفه کنند و مشکلات فراوانی برایش پدید آورند. این اتفاق بیانگر این است که او برای روش عقلی خود هزینه‌ها داده است و حال آن‌که او معتقد به حسن و قبح شرعی است و باید صرف این هزینه‌ها برای عقل، به نحوی با عقیده‌ی او به حسن و قبح شرعی جمع گردد.

از آن‌جا که محور بحث رساله، پیرامون موضوع حسن و قبح عقلی است، در فصل دوم به صورت مبسوط به این موضوع، و نظرات برخی متفکرین در این زمینه پرداخته شده است. علت اصلی آوردن این فصل، از طرفی

فرضیه‌ی ابتدایی نگارنده بود که گمان می‌کرد فخر رازی اعتقاد راسخ به عقل و حسن و قبح عقلی دارد و اگر خلاف آن سخن می‌گوید به خاطر محیطی است که در آن رشد یافته است؛ و از طرف دیگر تبیین پذیرش نقل توسط خواجه‌ی طوسی بود. زیرا این تسلیم در برابر نقل با وجود اعتقاد وی به حسن و قبح عقلی می‌بایست تحلیل گردد. به همین منظور ابتدا باید منظور از حسن و قبح عقلی به وضوح آشکار می‌گردید و روشن می‌شد که حسن و قبح عقلی در عمل و عقیده، هر کدام چه لوازمی دارد و آیا نقل‌گرایی گاه به گاه خواجه‌ی طوسی با اعتقاد وی به حسن و قبح عقلی قابل جمع است؟ بنابراین لازم بود از نظرات سایر متفکرین نیز بهره ببریم.

روش کار این پایان‌نامه پیدا کردن اختلاف مبانی و روش‌های فخر و خواجه در بحث اساسی عقل و خصوصاً در حسن و قبح عقلی است. آیا عقل‌گرایی فخرالدین رازی، به این معناست که او نیز مانند خواجه طوسی به حسن و قبح عقلی معتقد است؟ و یا اگر به زبان حسن و قبح شرعی را تایید می‌کند، در عمل نیز ملتزم به آن است؟ برای این مهم می‌شد استدلال‌های کلی کتاب تلخیص را استخراج کرد تا به کمک استدلال‌ها، مبانی آن‌ها عیان گردد و یا حتی به سایر کتب فخر و خواجه نیز مراجعه نمود. اما نگارنده، پس از مرور چندین باره‌ی کتاب تلخیص، و تورق اجمالی سایر کتب آن‌ها، به این نتیجه رسید که آنچه تکلیف ما را پیرامون عقل، مستقلات عقلیه، روش‌های عقلی و حسن و قبح عقلی نزد خواجه طوسی و خصوصاً فخر رازی روشن می‌کند، فصل اول کتاب تلخیص المحصل است. جایی که فخر رازی به شکلی متمرکز بر اصول عقلی و ام‌البدیهیات یعنی اصل تناقض می‌تازد و در آن به صراحت و آشکارا نظر خود را پیرامون عقل و مستقلات عقلیه بیان می‌کند. از این رو لازم می‌نمود یک فصل از پایان‌نامه به صورت مستقل به بخش اول و استخراج استدلال‌های آن اختصاص یابد. البته ممکن است به ظاهر ارتباط برخی از مباحث المقدمات به موضوع حسن و قبح، به آشکاری بحث بدیهیات نباشد اما برای درک میزان استفاده‌ی فخر از عقل و یافتن تناقضات میان مبانی او، استخراج استدلال‌های آن‌ها نیز لازم می‌نمود. از مبانی یافته شده، در فصل نتیجه‌گیری استفاده و تناقض‌های موجود میان مبانی فخر در آن‌جا آورده و علت وجودشان نیز توضیح داده شده است. لازم به ذکر است مبانی، همان کبرای استدلال‌های استخراج شده است. به همین دلیل برای یافتن مبانی باید استدلال‌های فصل اول کتاب استخراج می‌شد.

پرداختن به فصل اول تلخیص المحصل، سبب غفلت از سایر فصول کتاب نشده. در فصلی با عنوان «نگرش فخر رازی و خواجه طوسی در مباحث کلامی و اصول اعتقادی» به سایر نظرات آنها خصوصاً در مورد نقلیات پرداخته‌ایم. نیت از تقریر این فصل، تنها نگارش سایر کتاب نیست بلکه، بیان نظرات فخرالدین رازی و خواجه طوسی برای آشنایی خواننده با فضای فکری آنها نیز می‌باشد. و نیز آشکار کند که فخر رازی در نقلیات هم از عقل استفاده می‌کند. به این منظور، این فصل، پیش از فصل استخراج استدلال‌های رکن اول کتاب آورده شده است. .

فصل آخر رساله، حاوی نتیجه‌ی گرفته شده از فصول گذشته است. در این بخش به شکل مبسوط به علت تناقض‌گویی‌های فخر در کتب مختلف و مبانی متضاد وی در کتاب تلخیص المحصل و نیز علت عقل‌گرایی افراطی در عین تاختنش بر اصول عقلی پرداخته می‌شود. همچنین علت توجه خواجه به نقلیات آشکار گردیده است.

در رساله، از علائم و کلماتی بهره برده شده که معرفی آن را لازم می‌نماید:

نشان دهنده‌ی ارتباط بین جمله‌ی شرط و

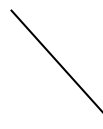
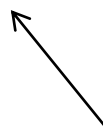
جواب شرط در جمله‌ی شرطیه است.

نشان دهنده‌ی ارتباط دو

کلمه یا دو جمله است.

هر جا که نام مصنف آورده

شده، منظور فخر رازی است



مصنف

مشکل اصلی در نگارش رساله کمبود منابع و کمی شدید وقت بود که بر سختی رساله می‌افزود.

فصل اول

فصل اول: آشنایی اجمالی با دو اندیشمند

دوران زندگی

فخر رازی

ابو عبد الله محمد بن عمر بن حسین ابن علی، در ۲۵ رمضان سال ۵۴۲ یا ۵۴۴ هجری قمری در ری به دنیا آمد و در سن ۶۲ یا ۶۳ سالگی در هرات درگذشت و در مزداخان در نزدیکی هرات به خاک سپرده شد. برخی معتقدند که مخالفین سرسخت او از کرامیه او را مسموم کردند. (اصغر دادبه، ۱۳۷۴، ص ۱۷) عده‌ای نسب او را به ابوبکر خلیفه اول می‌رسانند. معروف به ابن خطیب^۱ و ملقب به امام‌المشککین بود. زیرا «از خلیقات علمی امام فخر این بود که گفته‌های پیشینیان را انتقاد می‌کرد، و هر مسأله‌یی را که از آن بزرگان مطرح می‌کرد بر آن خرده می‌گرفت. و هر چند در ایراد و اعتراض کوشا بود، به اثبات چندان علاقه‌یی نداشت، و به همین جهت مشهور شده بود که می‌گفتند «اعتراضات امام نقد و پاسخ‌های او نسیه است!» و از بس که تشکیک و اعتراض می‌کرد او را «امام‌المشککین (پیشوای به شک وادارندگان) لقب دادند. اما در اینجا باید به یک نکته مهم توجه داشت و آن این است که شکوک و اعتراضات او بیشتر در مسائل فلسفی، کلامی و علمی بود، نه در تقریر عقاید اسلامی و تفسیر قرآن مجید بنابر اصول اشعریه و فقه اهل سنت. تأییدی دیگر بر این مطلب وصیت‌نامه‌یی است که از او بر جای مانده و سبکی آن را عیناً نقل کرده است. در آنجا می‌گوید «هر دلیلی که بر اثبات یگانگی خدا و تنزیه خداوند موجود است ... آن را می‌پذیرم، و در مسائل غامض و دقیق دینی پیرو قرآن و احادیث صحیح و اجماع مسلمین هستم.» (دکتر علی اصغر حلبی، ۱۳۷۸، صص ۲۶۰ و ۲۷۰)

اساتید فخر به گفته‌ی پسرش مشهور نبودند. اولین استاد او پدرش بود که علم کلام و فقه به فرزندش آموخت. البته از کلام، کلام اشعری و از فقه، فقه شافعی را آموزش داد. پس از مرگ پدر به نزد کمال الدین سمنانی (متوفی ۵۷۵ق) در نیشابور رفت و به تکمیل فقه خود نزد وی پرداخت. سپس مجدداً به ری بازگشت و به

^۱ پدر او از دانشمندان و فقیهان برجسته‌ی ری بود که در خطابه بسیار تبحر داشت. به همین سبب به او ابن خطیب می‌گفتند.

تحصیل حکمت نزد مجدالدین جیلی پرداخت و با رفتن استاد به مراغه با او همراه شد و به مراغه رفت و در آنجا، هم‌درس و هم‌کلاس شیخ شهاب‌الدین سهروردی گردید.

پس از این دوره‌ی تلمذ سفرهای فخر آغاز می‌گردد و تا پایان عمر او ادامه می‌یابد. مناظرات، مجالس بحث و تدریس، محافل موعظه و تذکیر، همه و همه در همین دوران است.

اولین سفر او به خوارزم بود. او به مدت سه سال آنجا بود تا این‌که از شهر اخراج شد. سپس به ماوراءالنهر رفت و چند سالی به مناظره و تحقیق و تالیف مشغول شد. کتاب المناظرات فی بلاد ماوراءالنهر و رساله اثبات جزء لا یتجزی^۱ در همان دوران نگارش شد. سپس به ری، زادگاه خود بازگشت. در آنجا طی ازدواج دو پسرش با دو دختر پزشکی ثروتمند که در بستر بیماری و مرگ بود، ثروتمند شد. رازی مدت زیادی در ری نماند برای باز پس‌گیری وامی که به سلطان غور داده بود، به غور رفت. مدتی آنجا ماند و کتاب البراهین را به رشته‌ی تحریر درآورد و در مدرسه‌ای که غیاث‌الدین محمد برای او در هرات ساخت تدریس کرد. لقب شیخ‌الاسلام در همین شهر به او داده شد و تا آخر عمر در آنجا ماند.

رازی در تاریخ کلام به دلیل شکل جدیدی که به کلام داده، اهمیت بسیار دارد. این اهمیت تا به آنجاست که او را با عنوان «امام» می‌شناسند و علاوه بر کلام در تمام علوم عقلی با این عنوان شناخته می‌شود.

امام فخر را دنباله‌رو غزالی می‌دانند. غزالی با وجود این‌که متکلمین پیش از او، یادگیری منطق ارسطویی را معصیت می‌دانستند، آن را پایه علوم دینی قرار داد و دانسته‌های آن دسته از دانشمندان علوم دینی که با آن آشنایی نداشتند را غیر قابل اعتماد دانست. البته غزالی به بخش ماوراءالطبیعه‌ی فلسفه انتقاد داشت و مطالعه‌ی فلسفه و ابطال آن را از وظایف متکلم می‌دانست. (دکتر علی اصغر حلبی، ۱۳۷۸، ص ۸۷)

رازی شیوه‌ی غزالی را بسط داد و حتی می‌توان گفت شیوه‌ی غزالی را پشت سر گذاشته و روش خاص خود را ابداع نموده است. ابن تیمیه، رازی را پیرو فارابی، ابن سینا و ابوالبرکات می‌داند. (همان، ص ۸۸) موضوعات و ترتیب در کتاب «المباحث المشرقیه» که از آثار اولیه فخر به شمار می‌رود، مانند کتاب نجات و شفای بو علی است. در کتاب‌های بعدی او نیز از میزان فلسفی بودن موضوعات کاسته نمی‌شود تا آنجا که برخی کتاب

^۱ این رساله هنوز به چاپ نرسیده. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس به شماره ۳۹۹۸ موجود است. البته در نگارش این رساله وقفه‌ای پیش می‌آید که سبب می‌شود این رساله در جای دیگر و در سفر دیگری به پایان برسد.

«المحصل» و «المطالب العالیه» را کتبی فلسفی می‌دانند و علم کلام توسط او و شاگردانش به آنجا رسید که بدون دانستن فلسفه و منطق دانسته نمی‌شد و منابع متکلمان بعد از رازی بیش از آن که کتب متکلمان باشد، آثار فلاسفه شد. (همان، ص ۸۹) به راحتی می‌توان ادعا کرد که او کلام فلسفی را پایه‌گذاری کرد و پس از او عقاید و نظرات دینی با زبان فلسفی بیان شد.

فخر الدین رازی آثار فراوانی از خود به جای گذاشته و این کثیر تعداد آثار او را تا دو بیست کتاب نوشته است. (أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، ۱۴۰۷/۱۹۸۶، ۱۳، ص ۵۵)، البته بسیاری از این آثار یا از میان رفته و یا هنوز به چاپ نرسیده است.

از آنجا که رازی بسیار اهل بحث خصوصاً با مخالفینش بوده، برخوردهای او با سایر گروه‌های کلامی و فقهی در بسیاری از کتب آمده است. در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

رازی و معتزله:

معتزله در آن دوران در خوارزم و ماوراءالنهر زندگی می‌کردند. رازی به روایت سبکی به آنجا رفت و به مناظره با معتزلیان پرداخت. این مناظرات پیرامون مسئله‌ی خلق افعال انسان، قضا و قدر، خیر و شر، مخلوق بودن یا نبودن قرآن، مشاهده خدا در آخرت، افعال و صفات و ذات پروردگار، وعده و وعید و حسن و قبح بودند. معتزلیان اینقدر قدرت نداشتند که مخالفان خود را از دیارشان بیرون کنند، اما از آنجا که علمای معتزلی پیرو اصول فقهی مذهب حنفی بودند (که در آن روزگار و در آن منطقه پیروان بسیاری داشت) به معتقدان اعتزال نیروی کافی داد تا رازی را از ماوراءالنهر بیرون کنند.

رازی در مواجهه با معتزلیان از سویی نظرات آن‌ها را ابطال می‌کرد و از سویی از مشترکات فکری با آن‌ها بهره‌ها می‌برد. برای مثال رازی در نگارش کتاب «المحصل» بسیار از کتاب «کتاب المعتمد» ابوالحسین البصری^۱ که عالمی معتزلی بود استفاده کرد. (سلیمان اولوداغ، بی‌تا، ص ۴۰ و ۴۱)

رازی و کرامیه:

^۱ درباره‌ی او گفته‌اند از شیوخ معتزله، و صاحب تصانیف کلامی است. وی از هوشمندان روزگار خویش بوده است و از کتاب‌های او می‌توان المعتمد را نام برد که کتابی بزرگ است. (دکتر علی اصغر حلبی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۴)